



به پیشواز نوروز باستانی

دل بدسگالان به دو نیم باد

همه دشمنان از تو پر بیم باد

همه ساله بخت تو پیروز باد

شبان سیه بر تو نوروز باد

فردوسی

به گفته ای در هزاره سوم پیش از میلاد بود که جشن نوروز متولد شد. تاریخ این زمان را مصادف با عصر پیشدادیان میداند. از این نقطه به بعد نوروز در طول هزاره ها به عنوان جشن ملی آریاییان به شمار می رود. ابو ریحان البیرونی (قرن دهم میلادی) در مورد آن نوشته هائی دارد و در کتاب «القانون فی الطب» خود از اهمیت و تاثیر نوروز بر فصول مختلف سال و تغییرات آب و هوا بر سلامتی انسان اشاره ها دارد و نوروز را باعث تجدید نشاط و بهبود روحی و جسمی میداند.

ادب پر بار دری/ فارسی نیز سرشار از تغزل برای نوروز است. به بیان دیگر نوروز حتی پس از تجاوز خونین تازیان در ۶۵۰ میلادی بر خطه خراسان و تحمیل سنن و زبان خود بر مردمان آن هنوز زنده ماند. نزد ساکنان خاورزمین نوروز قبل از آنکه در تقویم شان نقطه آغاز گردش دیگر به دور خورشید باشد، نشانه ای از فرهنگ آنهاست. فرهنگی که از عوامل مهم تعیین کننده هویت و بستری برای توسعه و پیشرفت حیات آنهاست. فرهنگی که از هزاران سال سینه به سینه از نسلی به نسل دیگر منتقل شده است. از اینرو نوروز به عنوان یکی از مهمترین جشنها و رویدادهای فرهنگی با سنتهای خاص تاثیر بسیار زیادی بر رفتار و اعمال افراد و به طور کل بر گسترش و افزایش همبستگی اجتماعی دارد. نوروز افراد را دور هم جمع میکند و با افزایش انگیزه ها در افراد موجب افزایش نیرومندی آنها میشود و برای حفظ ارزشها و روابط اجتماعی اهمیت زیادی دارد.



جبهه مردم افغانستان «جما»

در حالی که روزهای واپسین سال ۱۴۰۲ خورشیدی را توام با مبارزه پرفراز و نشیب پشت سر میگذاریم، لحظاتی که جنبشهای اجتماعی مترقی و روشنفکری در هر فرصتی در کشاکش مداوم برای تحقق مطالبات بر حق خود هستند.

در بیش از چهار دهه مخصوصاً سه سال پسین، زندگی توده افغانستان در میان درد و انواع شکنجه های روحی و روانی، در همه عرصه ها زندگی مخصوصاً کسب معیشت برای بقا، در کنار سرک ها و جاده های کابل و ولایات با بی ثباتی نیروی کار و لشکر بیکاران، سخت کوشی کم حاصل کشاورزان که با خشکسالی های متواتر مواجه اند، تحت سلطه مافیا سیاسی-اقتصادی در زمستان های سرد و تابستان های سوزان مانند ربات های بی رمق و سرگردان به دستفروشی و کار های سیار موقتی، جمع آوری زباله ها، تن فروشی، آوارگی و بی مسکنی، با چشم انداز و سلب ابتدایی ترین امکانات ضروری از زندگی مردم، بر متن مناسباتی سراسر تبعیض آمیز، فاشیستی با سرکوب بی سابقه ترین اعتراضات اجتماعی، چهره و سیمای آشکار جامعه ما را به انتظار جهان بشریت به نمایش گذاشته است.

روزهایی را سپری میکنم که نیروهای قرن حجر و گروه ظالم خونخوار طالب برای توده افغانستان طبق میل و دستور بادران خویش تعیین تکلیف می نمایند. بادران حریص و آزمند آنها برای تامین منافع خود با هزاران مکر حيله با پمپ نمودن میلیون ها دلار در هفته از مجاری مختلف تحت عناوین فریبده کمک به مردم افغانستان؛ این حیوانات وحشی را هر روز نسبت به روز دیگر چاق تر و فربه تر کرده است.

بدون تردید مبارزه کنونی برای تامین آزادی های فردی و مدنی، برابری جنسیتی، اعاده حیثیت، آزادی بیان و رفاه اجتماعی به امتداد تاریخ مبارزاتی مایک بار دیگر از بطن شرایطی نسج و منشا گرفت، که سند فروش و تسلیمی افغانستان در دوحه بین امپریالیسم آمریکا و گروه ساخت سازمان "سیا" امریکا مسجل و امضا شد. که در نتیجه زمینه فرار مصون دلقک بنام دومین متفکر جهان را از ارگ مساعد ساخته و به ظاهر امر باعث سقوط جمهوریت پوشالی ع و غ شد. در حالی که موضوع کاملاً متفاوت است.

این حق مسلم مردم افغانستان است که با درد ها و رنج های بی پایان تحملی وداع کنند، و با اعمار جامعه با شکوه و مرفه و با زنده نمودن دوباره فرهنگ کهن که از نیاکان ما به ارث مانده، با برپایی و برگزاری هرچه پرشور تر و شادتر این میراث ها، الیخصوص جشن نوروز و سایر روزهای پر میمنت، لبخند دزدیده شده از لبان مردم را دوبار به مردم ما بدیم و قلب های داغدار و درد دیده شان را مداوا کنیم. بنا این روز را هرچه شادتر و پر شکوه تر تجلیل نمایم، به همان قیاس مثمر و موثر است.

بنابراین مرتجعین مذهبی با این جشنها و شادمانی های ملی مردم، منافع خود را نظر به اعتقادات دگم و پوچ شان در تضاد می بینند، و از آن بیم دارند. زیرا این جشنها که بر اساس آداب و رسوم و فرهنگ مردم و جوامع خارج از محیط مذهبی آنها برگزار میشود. از دید این نوکران و تفنگداران



جبهه مردم افغانستان «جما»

وحشی توهین به فطرت آنها پنداشته میشود. آنها از رقص و موسیقی نفرت دارند و از شاد بودن مردم خشمگین میشوند. اعتقاد به نظارت جنون آمیز و بیم از دست دادن موقعیت در صورت تمرد افراد از دستورات شان همیشه با آنهاست.

این یک حقیقت عینی است آنها به دنبال آن هستند تا همه را به انطباق با جامعه ای وادار کنند که خود میخواهند ایجاد کنند. این کار با ایجاد ناراحتیهای گوناگون، وضع تعزیرات بر آزادی افراد و اعمال خشونتها همراه است. آنها بیم دارند که این جشنها میتواند منجر به ایجاد فرهنگ ملی شده مردم را دور هم جمع کند و باعث ایجاد اتحاد و انسجام در جامعه شود. آنها اعتقاد دارند که اجتماع و تجمعات بزرگ میتواند به حال شان خطرناک باشد. زیرا فرهنگ ملی و اجتماعی است که میتواند روحیه ضد تجاوز، بهره کشی و ضد استعماری را ایجاد و تقویت کند.

جشن نوروز در بیشتر از هفده کشور بشمول کشورهای ایران، تاجیکستان، جمهوری آذربایجان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و آلبانی برگزار میشود و با همین نام شناخته شده و در تقویم آنها به استثنای افغانستان روز تعطیل رسمی است. در افغانستان نوروز دیگر آن ابهت قبلی را ندارد. اگرچه دشتهای بلخ و دیوار و پشت بامهای گلی آن هنوزم پر از گل سرخ میشود. بنابراین لازمی ست ابهت قدیم جشن نوروز و بقیه ارزشهای به یغما رفته باز ستانده شوند. مقاومت در برابر منع نوروز از سوی طالبان ممکن است چالش برانگیز باشد، اما مردم میتوانند برای ایجاد انسجام و پاسداری از ارزشهای فرهنگی و ملی خود از روشهای گوناگون استفاده کنند. برخی از این روشها عبارتند از:

۱. برگزاری جشنها و مراسم محلی در ضدیت با منع طالبان.
 ۲. استفاده از رسانه های اجتماعی برای انتقال پیامها و اطلاعات درباره اهمیت جشن نوروز
 ۳. اشاعه پذیرش این جشن به عنوان بخشی از فرهنگ و تاریخ ملی.
 ۴. ترویج هنرهای محلی مانند موسیقی، رقص و نمایش هنرهای دستی در روزهای نوروز.
 ۵. برپا کردن نمایشگاهها و نمایشها با موضوع نوروز و فرهنگ محلی.
- مهمترین نکته این است که این اقدامات فقط با هماهنگی و همبستگی مردم میتواند در برابر منع طالبان مقاومت کند و موفق شود.

کمیتة فرهنگی «جما»

۲۸ / حوت / ۱۴۰۲



جبهه مردم افغانستان «جما»